

**Russia's Middle East Policy and Regional
Security Order (2011-2018)**

Reza Simbar

Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature
and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Saeed Pirmohammadi¹

Ph.D. in International Relations, Faculty of Literature and
Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

(Date received: 22 April 2019 - Date approved: 4 August 2024)

Abstract

Introduction: The revolutionary uprisings that have occurred in many geopolitical territories of the Middle East and North Africa since December 2010 have highlighted signs of change in the Middle East security system. The continued presence and influence of the United States in the Middle East and the follow-up of the European Union from American policies, the increase in the role of other trans-regional actors, especially rebuilding the role of Russia and strengthening China's soft balance, the escalation of geopolitical competition between Iran and Saudi Arabia and the increase in power and influence of non-state actors have played a central role in changing the balance of regional powers and the emergence of a new regional order. In the meantime, the intensification of manipulation by the United States and the west in the process of Arab Spring developments, along with the appearance of the failure of Moscow's follow-up policy in the crises of Tunisia, Egypt and Libya, convinced the Kremlin officials to adopt a relatively independent and proactive approach to the security order of the Middle East by entering the regional crisis management process.

Research question: What are the characteristics of Russia's Middle East policy in the period after the Arab Spring and what consequences does such an approach have for the security order of the region?

¹. E-mail: saeedpir@webmail.guilan.ac.ir (Corresponding Author)

Research hypothesis: The hypothesis of the above-mentioned question is that Russia's approach to the security system of the Middle East after the Arab Spring is based on signs of the simultaneous influence of two security and economic factions that are organized together, the balance of power factor along with the economic interests constitute the motivations for the development of Russia's relations with the Middle East.

Methodology and theoretical framework: The method used in this research is the method of Trend analysis and the type of the research is basic. The nature of this paper is also qualitative. The data collection has been library method, using internet resources, articles and documents. Since the security order of the Middle East has always been influenced by the arrangement, competitions and interactions of regional actors and the interventions of extra-regional powers, in this article, an attempt will be made to use the theoretical assumptions of Neo-realism to explain Russia's Middle East policy and its effects on the regional system. The Neo-realism model provides the possibility of examining the components of the country's external environment with more emphasis to explain Russia's security strategy.

Results and discussion: The abilities and capabilities of the country's leaders to play a role in a region and the possibility of accepting valid commitments are important determining factors for countries' strategies in regional systems, which in turn affect the type of regional system. The developments and the involvement of a wide range of regional and international actors in the Syrian crisis have convinced the Kremlin officials to use the direct balancing model with the United States. Based on this, Moscow was able to significantly improve its field of activity by using two strategies of soft balancing and direct balancing, while recovering its structural strength in the Middle East order. By strengthening its relations with Iran, Syria, and even Hamas, and being close to the traditional allies of the United States in the Middle East, including Saudi Arabia, Qatar, the United Arab Emirates, Jordan, and Egypt, Russia is trying to balance regional powers with the United States in the Middle East. Overall, Russia's reemergence has transformed the Middle East security system in terms

of structure, norms, agency, and patterns of interaction. Moscow intends to propose a new approach to the United States unilateral approach to the Middle East regional order, in which a diverse range of actors and agendas can be proposed. Adopting a middle position on regional issues and programs and avoiding a holistic approach to Middle East actors is organized and implemented with this central goal in Moscow's strategic doctrine.

Conclusion: The economic factor along with the balance of power is one of the main motivations for the development of Russia's relations with the Middle East. The economic variables influencing Moscow's intervention in the Syrian crisis in the aftermath of the crisis and instability and the transformation of political and military achievements into economic achievements have also been particularly prominent. Russian companies have won many concessions in the field of Syrian oil, gas, electricity and mining infrastructure. Russia's arms trade is also organized through arms deals with Egypt, Saudi Arabia, the United Arab Emirates, Libya and Syria. The scope of Russia's activity and role in the new regional order of the Middle East includes a wide range of governments and regional actors.

Keywords: Foreign Policy, Security Order, Middle East, Arab Spring, Russia.

سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و نظم امنیتی منطقه‌ای (۲۰۱۸-۲۰۱۱)

رضا سیمبر

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

سعید پیرمحمدی^۱

دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴)

چکیده

اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه سبب شده است، این منطقه از جایگاه ویژه‌ای در تفکر راهبردی روسیه برخوردار باشد. بررسی نظری و عملی رهیافت نخبگان و سیاستمداران روسیه در دوره پسافروپاشی شوروی، تأییدکننده تمایل جدی برای بازگرداندن روسیه به جایگاه قدرت بزرگ است. پویاها و بحران‌های منطقه‌ای می‌تواند بستر مناسبی را برای تحقق چنین هدفی به وجود آورند. در این میان، آغاز تحولات بهار عربی در پایان سال ۲۰۱۰ و پدیدارشدن نشانه‌های گذار در نظم امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، شرایط مناسبی را برای ورود مسکو به معادلات قدرت خاورمیانه فراهم کرده است. بر این اساس، جلوه‌هایی از دگرگونی در رویکرد روسیه به نظم امنیتی منطقه خاورمیانه پدیدار شده است. پرسش اصلی این نوشتار این است که: سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در دوره پس انقلاب‌های عربی، از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده و چه پیامدهایی را متوجه نظم امنیتی منطقه‌ای می‌کند؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل روند، نمایان‌گر آن است که رویکرد روسیه در برابر نظام امنیتی خاورمیانه پس از انقلاب‌های عربی بر اساس نشانه‌ها، از تأثیرگذاری همزمان دو بال امنیتی و اقتصادی در کنار هم سازمان‌دهی شده که بر اساس آن عامل موازنه قوا در کنار منافع اقتصادی، انگیزه‌های توسعه روابط روسیه با خاورمیانه را تشکیل می‌دهند. گردآوری داده‌ها و اطلاعات نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است.

واژگان اصلی: سیاست خارجی، نظم امنیتی، انقلاب‌های عربی، خاورمیانه، روسیه.

^۱ نویسنده مسئول: saeedpir@webmail.guilan.ac.ir

مقدمه

خیزش‌های انقلابی که از دسامبر ۲۰۱۰ بخش وسیعی از قلمرو ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال آفریقا را دربرگرفت، نشانه‌هایی از تحول و دگرگونی را در سامان امنیتی خاورمیانه برجسته کرده است. تداوم حضور و اعمال نفوذ ایالات متحد در خاورمیانه و دنباله‌روی اتحادیه اروپا، افزایش نقش دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای به‌ویژه بازسازی نقش روسیه و تقویت موازنه نرم چین، افزایش رقابت ژئوپلیتیک، میان ایران و عربستان سعودی و افزایش قدرت و نفوذ کنشگران غیردولتی، نقش محوری در تغییر موازنه قوای منطقه‌ای و پیدایش نظم جدید منطقه-ای داشته است. در این میان، تشدید دستکاری ایالات متحد و غرب در روند تحولات بهار عربی به موازات پیدایش نمودهای ناکامی سیاست دنباله‌روی مسکو در بحران‌های تونس، مصر و لیبی، مقام‌های کرملین را متقاعد کرد تا با ورود به روند مدیریت بحران منطقه‌ای، رهیافت کم‌ویش مستقل و فعالانه‌ای، در برابر نظم امنیتی خاورمیانه در پیش بگیرد. پرسش اصلی این پژوهش این است که: سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در دوره پسا بهار عربی، از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده و چه پیامدهایی را متوجه نظم امنیتی منطقه‌ای خواهد کرد؟ نویسندگان با بهره‌گیری از روش تحلیل روند^۱، این فرضیه را به آزمون می‌گذارد که: رویکرد روسیه، در برابر نظام امنیتی خاورمیانه پس از بهار عربی بر اساس نشانه‌هایی از تأثیرگذاری همزمان دو بال امنیتی و اقتصادی در کنار هم سازمان‌دهی شده که بر اساس آن عامل موازنه قوا در کنار منافع اقتصادی، انگیزه‌های توسعه روابط روسیه با خاورمیانه را تشکیل می‌دهند.

پیشینه پژوهش

بیشتر تمرکز ادبیات مربوط به سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در خاورمیانه، معطوف به تحلیل و بررسی راهبرد موازنه‌گرایانه روسیه بوده و واکاوی نقش عوامل اقتصادی در رفتار خارجی مسکو کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه کیانی و خان‌محمدی (۲۰۱۷) در مقاله «سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۱» رویکرد روسیه را بر پایه نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سیاست روسیه بر پایه جلوگیری از سرایت‌کردن خیزش‌ها به منطقه اوراسیا و داشتن نقش بیشتر در معادلات بین‌المللی، به‌دنبال خلأ ناشی از حضور ایالات متحد در منطقه است. برخی از منابع نیز با بهره‌گیری از رهیافت ساختاری نظام بین‌الملل به تبیین راهبرد روسیه در برابر بحران سوریه پرداخته‌اند. در همین زمینه، تخشید و شجاع (۲۰۱۸) در مقاله «کاوشی در مداخله روسیه در بحران سوریه از منظر ژئوپلیتیک» به این نتیجه رسیده‌اند که الزام‌های ژئوپلیتیک مانند: جلوگیری از تداوم عقب‌نشینی روسیه از غرب، مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی،

^۱ Trend Analysis

حفظ قلمرو نفوذ، حفظ توازن منطقه‌ای و حفظ ثبات منطقه‌ای، برانگیزنده اصلی روسیه برای مداخله در بحران سوریه بوده‌اند. نیاکویی و صفری (۲۰۱۸) در مقاله «الگوی رفتاری روسیه در نظام بین‌الملل» معتقدند روسیه پس از سال ۲۰۱۴ راهبرد توازن قوا را به‌عنوان الگوی رفتاری خود برای رویارویی با نظام بین‌المللی و غرب در پیش گرفت. کریمی‌پور (۲۰۲۲) در مقاله «معادله منزلت‌طلبی روسی در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، مطالعه موردی سوریه و یمن» این فرضیه را در پژوهش خود مطرح و بررسی کرده که منزلت‌طلبی روسی، متأثر از بینش ژئوپلیتیک و هویت تاریخی روسیه، سبب تبدیل‌شدن این کشور، به کنشگری تأثیرگذار در بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام از جمله در سوریه بوده است. کرمی و فاضلی (۲۰۱۷) در مقاله «ژئوپلیتیک دریایی و سیاست خارجی روسیه در بحران‌های اوکراین و سوریه»، حفظ و تقویت کنترل روسیه بر دریای مدیترانه را عامل اصلی حضور این کشور در سوریه می‌دانند. در روسیه نیز با آنکه گرایش به مطالعه مسائل خاورمیانه در رابطه با روندهای سیاسی جهانی به‌تازگی پدید آمده، که نمود آن را می‌توان در آثار پژوهشگرانی چون کوزنتسوف (۲۰۱۹)، بررسی کرد. اما همچنان خلأهای جدی در این حوزه دیده می‌شود. کنت و مولیکووا (۲۰۲۲)، در مقاله «روسیه و جهان در دوره پوتین؛ از نظریه تا واقعیت در استراتژی جهانی روسیه» در تلاش برای در پیش‌گرفتن رهیافتی جایگزین برای تحلیل سیاست خارجی روسیه، بر حس هویت روسی و امنیت هستی‌شناختی در اثر خود تمرکز می‌کنند. کورتونی (۲۰۱۹) در مقاله «میان چند مرکزیت و دوقطبی؛ در باب روایت‌های تکامل نظم جهانی روسیه» معتقد است: گفتمان سیاست خارجی روسیه در چند سال گذشته، به‌تدریج از چندقطبی پذیرفته‌شده پیشین به سمت روایت‌های دوقطبی دوران شوروی گرایش یافته است. چنان‌چه از پیشینه پژوهش بر می‌آید، با وجود آثار و نوشته‌های فراوانی که پیرامون رویکرد روسیه در بحران سوریه و سیاست خاورمیانه‌ای روسیه نگاشته شده، در رابطه با علل و عوامل اقتصادی رهیافت روسیه در خاورمیانه کمتر پژوهش شده است. بر این اساس، این مقاله با بهره‌گیری از نظریه واقع-گرایی ساختاری سیاست بین‌الملل در تلاش برای تبیین رهیافت روسیه به نظم امنیتی نوین خاورمیانه است.

چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی ساختاری یا نواقع‌گرایی^۱، به‌عنوان نظریه‌ای بازخوانی‌شده از واقع‌گرایی کلاسیک، در اواخر دهه ۱۹۷۰ در واکنش به رفتارگرایی و در ادامه تلاش‌های نظریه‌پردازان جدید، برای علمی‌کردن واقع‌گرایی شکل گرفت. این دیدگاه نظری بیشتر مربوط به نوشته‌های کنت والتز^۲ به‌ویژه اثر پرنفوذش «نظریه سیاست بین‌الملل»^۱ است. در حالی که نواقع‌گرایی

^۱. Structural Realism (Neorealism)

^۲. Kenneth Neal Waltz

بسیاری از ویژگی‌های واقع‌گرایی کلاسیک مانند دولت، به‌عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل و قدرت را به صورت مفهوم تحلیلی-محوری حفظ کرده، ولی بیش‌تر نگرش را به ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌المللی معطوف می‌کند، نه به واحدهای تشکیل‌دهنده آن (Ghavam, 2008: 84). «ساختارهای سیاسی» نیز بر اساس سه عنصر تعیین‌کننده شناسانده می‌شوند: اصل سامان‌بخش^۲ (اقتدارگرایی یا سلسله‌مراتبی)، کارویژه واحدها^۳ (دارای کارکردهای مشابه یا دارای تنوع کارکردی)، توزیع توانمندی‌ها میان واحدها^۴. در مورد اصل سامان‌بخش، والتز می‌گوید: در همه نظام‌های بین‌المللی میان واحدها، نظمی اقتدارگرای وجود دارد. بنابراین، اصل سامان‌بخش آنها «اقتدارگرایی» است. اصل خودیاری نیز، به‌منزله کارکرد مشابه همه واحدها تنها رفتار منطقی یک دولت، برای ماندگاری در نظام آنارشیکی محسوب می‌شود. آخرین ویژگی تعیین‌کننده هم توزیع نسبی توانایی‌های مادی یا منابع میان واحدهای مختلف نظام است (Chernoff, 2008: 110).

نوواقع‌گرایی در کنار تأکید بر نبود اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل، سطح تحلیل را نظام بین‌الملل قرار می‌دهد و معتقد است ساختار نظام بین‌الملل، نوع و قواعد بازی را مشخص می‌کند. در نظام بین‌الملل، رفتار دولتها نسبت به یکدیگر بر پایه نبود اقتدار مرکزی سامان‌دهی می‌شود. ساختار آنارشیکی نظام بین‌الملل، دولتها را از موقعیت نسبی خود در برابر دیگر دولتها نگران می‌کند و آنها را نسبت به هزینه‌ها حساس می‌کند. به این معنا که آنها رفتار امنیتی خود را بر تحلیل هزینه-فایده استوار می‌کنند (Hansen and Others, 2010: 40). افزون بر این، واقع-گرایان ساختاری بر این باورند که: قدرت‌های بزرگ نسبت به موقعیت ساختاری خود در یک نظام بین‌الملل آنارشیکی بسیار حساس هستند. آنها معتقدند که دولتها موقعیت ساختاری خود را، از راه کمک به متحدان‌شان بهبود می‌دهند. والتز بر این باور بود که دولتها بر تلاش‌های داخلی خود و اتحادهایشان با دیگران اتکا دارند (Waltz, 2000: 6). از دیدگاه نوواقع‌گرایان تغییر سیستمی بسیار مشکل است. با توجه به تداوم اصل نظم‌بخش یعنی هرج‌ومرج‌گونه بودن نظام بین‌الملل و بی‌نقش بودن عنصر دوم، یعنی کارکرد مشابه واحدها، تنها توزیع توانایی‌هاست که نقش اساسی در تغییرهای سیستمی داشته و اهمیت محوری در نظریه ساختارگرایی والتز دارد. به‌سخن دیگر، پدیدارشدن و سقوط قدرت‌های بزرگ و به‌پیروی از آن تغییر و تحول در توازن قوا، سبب تغییر و تحول سیستمی و بین‌المللی خواهد شد (Ghasemi, 2015: 93). بر این اساس، هنری کسینجر استدلال می‌کند که: هر نظم جهانی، نوعی توازن قوا میان بازیگران بین‌المللی مهم و شناخت آنها از هنجارهای ویژه را تبیین می‌کند (Kissinger, 2014: 9).

1. Theory of International Politics

2. Ordering Principles

3. Character of the units

4. Distribution of capabilities

باید توجه داشت که نظام‌های منطقه‌ای، از ساختارشان اثر می‌پذیرند. مانند نظام جهانی، ساختارهای منطقه‌ای بر اساس دو بُعد شناسایی می‌شوند: اصل نظم‌دهنده و توزیع توانمندی‌ها. محدودیت‌های ساختاری، به‌طور معمول بر گستره قابل انتظاری از رفتارها تأثیر می‌گذارند. نظریه‌های نظام بین‌الملل، مکمل سودمندی برای نظریه‌های نظام‌های منطقه‌ای هستند. نظام جهانی، به‌خودی‌خود تأثیرهای مهمی بر برآیندهای منطقه‌ای دارد. ساختارهای جهانی مختلف، پله‌های گوناگونی از رقابت بین قدرت‌های بزرگ را ایجاد می‌کنند. این رقابت در ساختار دوقطبی بیشتر، در ساختار چندقطبی کم‌تر و در ساختار تک‌قطبی، در کمترین حد است. توانایی‌ها و قابلیت‌های رهبران کشورها برای داشتن نقش در یک منطقه و امکان سپردن تعهدهای معتبر، عوامل تعیین‌کننده مهمی برای راهبردهای کشورها در نظام‌های منطقه‌ای هستند که به‌نوبه خود بر نوع نظام منطقه‌ای اثر می‌گذارد. در مقام کاربست گزاره‌های نظری یادشده بر موضوع پژوهش حاضر و از آنجا که نظم امنیتی خاورمیانه همواره از چینش، رقابت‌ها و تعامل‌های بازیگران منطقه‌ای و دست‌اندازی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای اثر پذیرفته است. در این نوشتار تلاش خواهد شد از مفروض‌های نظریه نواقع‌گرایی، به‌منظور تبیین سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و اثرگذاری آن بر نظام منطقه‌ای بهره گرفته شود. الگوی نواقع-گرایی، این امکان را به‌وجود می‌آورد تا برای تبیین راهبرد امنیتی روسیه، مؤلفه‌های محیط خارجی این کشور با تأکید بیشتری بررسی شود.

روند تحول رهیافت امنیتی روسیه در دوران پساجنگ سرد

الگوهای امنیتی روسیه برپایه رویکرد محیطی و ساختاری، سازمان‌دهی شده است (Mosallanejad, 2014: 125). در طول جنگ سرد، ایالات متحد و اتحاد شوروی به اتحادهای منطقه‌ای به‌عنوان ابزاری مناسب برای رودرویی با یکدیگر می‌نگریستند (Harrison, 2018: 5). از میان رفتن نظم امنیتی جنگ سرد، در نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی نویدبخش آغاز دوران جدیدی از سامان جهانی و منطقه‌ای بود. برای پرکردن خلأ ناشی از حذف ایدئولوژی کمونیسم و بازگرداندن جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل، ایده‌های گوناگونی چون اروپا-اتلانتیک-گرایی^۱، همبستگی دموکراتیک، اوراسیاگرایی^۲، موازنه قوا، قدرت بزرگ و گونه‌های دگرگونی از ملی‌گرایی مطرح شد. اروپا-اتلانتیک‌گرایی تلاشی برای مشابهت دادن ارزش‌ها و مفاهیم روسی و غربی و بخشی مهم از گفتمان کثرت‌گرای روابط بین‌الملل دوره پسا شوروی بود که غرب را نه نقطه مقابل، بلکه شریک طبیعی روسیه می‌انگاشت. این رویکرد بر همگرایی همه-جانبه با غرب و تثبیت جایگاه روسیه به‌عنوان کشوری هنجارمند و شریکی قابل اعتماد در جامعه کشورهای متمدن تأکید می‌کرد (Koolae and Noori, 2010: 211). در این شرایط، مسکو

^۱ Euroatlantism

^۲ Eurasianism

از آغاز دهه ۱۹۹۰ تا نیمه‌های آن راهبرد دنباله‌روی نرم^۱ را در حوزه سیاست خارجی و امنیتی خویش در پیش گرفت.

از اواسط دهه ۱۹۹۰ امنیت نسبی روسیه شروع به افول کرد. گسترش ناتو به سمت اروپای شرقی و حضور روزافزون ایالات متحد در قلمرو اتحاد شوروی، رقابت ژئوپلیتیکی را در مرزهای روسیه و دیگر حوزه‌ها افزایش داد. افزون بر این، به موازات فرسودگی تدریجی زرادخانه هسته‌ای روسیه، ایالات متحد قدرت خویش را نوسازی می‌کرد و به برنامه‌های دفاع موشکی ملی خود ادامه می‌داد. از این‌رو، از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ با افول امنیت نسبی روسیه، این کشور راهبرد خود را از دنباله‌روی نرم به موازنه نرم^۲ تغییر داد (Mosallanejad, 2014: 129).

روسیه به‌طور آشکار، روابط نزدیک اقتصادی و امنیتی با چین برقرار کرد و به دنبال روابط نزدیک‌تر با هندوستان و اتحادیه اروپا به‌ویژه آلمان و فرانسه بود. این کشور هم‌چنین به دنبال بازسازی روابط با ژاپن نیز بود. روسیه هم‌زمان راهبرد یکپارچه‌سازی دوباره قلمروهای پیشین شوروی به رهبری خویش را دنبال می‌کرد، تا از این راه، در کنار بازگردانی نفوذ پیشین خود بر مناطق مهم راهبردی، رقیب‌ها به‌ویژه ایالات متحد را کنار نهد (Hansen and Others, 2010: 43).

روند گذار جهانی از نیمه دهه ۲۰۰۰ آغاز شد. در پی مجموعه‌ای از انقلاب‌های مخملی در اوراسیای مرکزی و خاورمیانه، اشتباه‌های غرب لیبرال و پیدایی احزاب و گرایش‌های سیاسی ملی‌گرا، این روند وارد مرحله تازه‌ای شد. بر این اساس، به تدریج این باور شکل گرفت که ایالات متحد، نمی‌تواند قواعد نظم جهانی پساجنگ سرد را بر دیگر کشورها تحمیل کند (Tsygankov, 2019: 62). در ادامه روند یادشده، مؤلفه‌های داخلی قدرت روسیه نیز با کارها و سیاست‌های ولادیمیر پوتین^۳ تا حد زیادی بهبود یافت. رشد اقتصادی^۴ برآمده از فروش انرژی و همبستگی داخلی روسیه به‌عنوان مهم‌ترین عامل‌های تأثیرگذار بر ادراک رهبران روسیه از قدرت نسبی و ساختار نظام بین‌الملل به راهبرد گسترش نفوذ در سیاست خارجی پوتین منجر شده است (Mousavi Shafae and Bazgard, 2016: 377-380). در سال ۲۰۰۷ و با مطرح شدن آیین مونیخ^۵ در سیاست خارجی روسیه، راهبرد توازن مستقیم جایگزین موازنه نرم شد. نقطه آغاز این راهبرد سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ^۶ در سال ۲۰۰۷ بود. در این کنفرانس پوتین امریکا را متهم به یک‌جانبه‌گرایی، بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی و استفاده بی‌رویه از زور کرد (Niakoe and Safari, 2018: 110). موازنه‌سازی روسیه در برابر ایالات متحد به دنبال بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ وارد مرحله تازه‌ای شد. بر این اساس، روسیه و غرب وارد دوره

1. Soft Bandwagoning

2. Soft Balancing

3. Vladimir Putin

4. Economic growth

5. The Munich Doctrine

6. Munich Security Conference

جدیدی از تحولات شدند. درمقایسه با دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴، که نوعی نظم به‌ظاهر تک‌قطبی وجود داشت، این روند به‌معنی پیدایی شکل جدیدی از نظم جهانی بود (Kuznetsov, 2019: 128).

جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی روسیه

به‌طور سنتی منطقه خاورمیانه به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی، اهمیت دیپلماسی انرژی، صادرات تسلیحات و رویارویی با اسلام‌گرایان افراطی، جایگاه ویژه‌ای در آیین راهبردی روسیه دارد. گرچه روسیه از نیمه دهه ۱۹۹۰ کارهایی را به‌منظور بازسازی نفوذ و موقعیت خود در منطقه خاورمیانه انجام داد، اما پس از فروپاشی شوروی در دوره یلتسین، توجه به خاورمیانه کاهش یافت. البته پس از آن در دوران پوتین این روند تا حدی تغییر پیدا کرد. خاورمیانه تنها محیطی است که روسیه می‌تواند نشان دهد؛ تنها یک قدرت منطقه‌ای نیست، بلکه کنشگری جهانی با قدرت تغییر از راه مدیریت درگیری‌های مهم است.

روسیه، بیشتر از خاورمیانه به‌عنوان یک اهرم قابل اتکا در معادلات قدرت جهانی و در برابر تهدیدهای ایالات متحد و غرب بهره می‌گیرد. در این روند، یکی از اهداف راهبردی روسیه در خاورمیانه این است که محیط کنونی درگیری را، از منطقه دریای سیاه و شرق مدیترانه به مناطق جنوبی و غربی این دریا و در گام پسین، به درون اقیانوس اطلس یعنی حوزه سنتی نفوذ غرب و ناتو بکشد. از این‌رو، نوعی منطقه‌گرایی جدید در نگاه روسی در حال تقویت است که امنیت و رشد اقتصادی را در تقویت ایده‌های پیوستگی منطقه‌ای برای بالابردن جایگاه جهانی دنبال می‌کند (Barzegar, 2017). گفتمان امنیتی اوراسیاگرایی نیز این امکان را به روسیه می‌دهد تا در شرایطی که در دادوستد با غرب بسته است، از ظرفیت بخش آسیایی و خاورمیانه‌ای بهره گرفته و مسکو خود را برای رویارویی جدی‌تر با غرب آماده کند.

کنش فعال روسیه در محیط امنیتی خاورمیانه را می‌توان در رابطه با افزایش حضور و نفوذ ایالات متحد و ناتو در محیط امنیتی پیرامونی روسیه بررسی کرد. در واقع، همان‌گونه که واشینگتن بدون رعایت منافع روسیه وارد حیات خلوت این کشور شده است. روسیه نیز تلاش دارد با تحکیم روابط خود با ایران، سوریه و حتی حماس و نزدیکی به متحدان سنتی امریکا در خاورمیانه از جمله، عربستان، قطر، امارات متحد عربی، اردن و مصر به‌نوعی موازنه قوای منطقه‌ای را در برابر ایالات متحد در خاورمیانه به‌وجود آورد. روسیه از زمان پایان جنگ سرد، سیاست خاورمیانه‌ای خود را در چارچوب‌های غیردینی و غیرایدئولوژیک دنبال می‌کند. این کشور توانایی خود برای برقراری ارتباط با بسیاری از بازیگران دولتی و غیردولتی خاورمیانه را ارتقا بخشیده است (Sladden and Others, 2017: 3).

الگوی واقع‌گرایی در رهیافت روسیه به نظم منطقه‌ای

سیاست خارجی روسیه بر مفروض‌های سنتی و واقع‌گرایانه بنا شده است. از بازی‌های بزرگ در افغانستان به منظور مقابله با امپراتوری بریتانیا تا تشکیل تفاهم مثلث^۱ با انگلیس و فرانسه در جهت موازنه امپراتوری‌های اتریش، مجارستان و آلمان، همگی تأییدکننده برجستگی منطق موازنه قوا در سیاست خارجی روسیه هستند (Maitra, 2014: 117). تأکید بر حاصل جمع صفر برای نفوذ در دولت‌ها به جای همکاری، تأکید بر موقعیت جغرافیایی و اهمیت تعیین‌کننده آن در سیاست خارجی، آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و شناساندن خود به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی در مقابل غرب، استفاده از سیاست خارجی به عنوان ابزاری برای سیاست‌های داخلی در شرایط افول اقتصادی و افزایش تهدیدهای داخلی دولت، برخی از عناصر الگوی واقع‌گرایی سیاست خارجی روسیه هستند. یکی از عناصر بنیادین جهان‌بینی روسیه در نگاه به جهان، روح واقع‌گرایی سیاسی مطابق با احساس و درک مسکو است. بر این اساس، جهان ساختار خود را دارد و به زمینه‌های نفوذ غرب و شرق تقسیم می‌شود. در چارچوب سیاست خارجی روسیه، غرب به عنوان رقیب اصلی روسیه تلاش می‌کند موضع‌های مسکو را در جهان مهار کند (Haji-Yousefi and Zolfaghari, 2017: 28). مرور تاریخ سیاست خارجی دوره تزاری، شوروی و روسیه پسا شوروی بیان‌گر آن است که اندیشه روسیه به مانند یک «قدرت بزرگ» تأثیری مداوم بر ذهنیت سیاست‌گذاران خارجی این کشور داشته است.

از نظر ارزشی و هویتی هم روسیه، آمریکا را تنها قدرتی می‌داند که قادر به تهدید و ناتوان‌سازی «دولت روسی»، در چارچوب تهدید نظامی و تغییر یا ناتوان‌سازی رژیم با ابزار تحریم‌ها و فشار، از گذر نهادها و سازمان‌های جهانی است. تحولات ساختاری پس از جنگ سرد در نظام بین‌الملل نیز زمینه‌هایی را برای مسکو پدید آورده تا در نظم جهانی اعمال شده از سوی واشینگتن به قدرت اصلی تجدیدنظرطلب تبدیل شود (Tsygankov, 2019: 60). کرملین در هر دو دوره یلتسین و پوتین تلاش داشته‌است تا سیاست امنیتی سازگار و کارآمدی را در پیش گیرد (Piotrowski, 2002: 60). با این حال، نبود واقع‌بینی نسبت به تحولات حوزه بیرونی در دوره یلتسین، شرایط ضعف ادراک از روندهای محیطی و ناتوانی در سناریوپردازی؛ تصمیم‌گیری‌های نابسامان و بی‌بهره از کنشگری را فراهم کرد و سیاست خارجی روسیه با بحران‌های مفهومی و نهادی رودررو شد. این وضعیت با به قدرت رسیدن پوتین و در پیش گرفتن رویکرد عمل‌گرایانه از سوی او به گونه‌ای مشهود تغییر کرد. تحولی در سیاست خارجی روسیه از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی، از بی‌ثباتی به ثبات نسبی و از رهیافت‌های نابخردانه به کم‌ویش خردمندانه صورت گرفت. پوتین و دولتمردان او نظام تک‌قطبی^۲ را وضعیتی موقت و ناپایدار می‌دانستند، که با رخداد تحولات و ائتلاف‌های جدید درون سیستمی و پیدایی مراکز جدید

^۱. Triple Entente

^۲. Unipolar System

قدرت، اساس آن به چالش کشیده شده و دیری نمی‌گذشت که موازنه قدرت به شکلی جدید برقرار می‌شد (Koolae and Noori, 2010: 215).

در کنار متغیرهای تأثیرگذاری چون رویارویی روسیه با غرب، تجربه‌های گذشته در برخورد با منطقه خاورمیانه از جمله تجربه جنگ سرد، باید به نقش شرکت‌های انرژی روسیه در سطح درگیری و همکاری مسکو با کشورهای منطقه خاورمیانه نیز توجه داشت. وابستگی شدید اقتصاد روسیه به صادرات هیدروکربن‌ها نیز نقش مهم در شکل‌دهی به سیاست خاورمیانه‌ای این کشور دارد (Kozhanov, 2022: 10-13). در الگوی جدید افزون بر موازنه نرم، نشانه‌هایی از موازنه مستقیم در کنش راهبردی روس‌ها در برابر تحولات منطقه‌ای پدیدار شده است. بر این اساس، روس‌ها تلاش داشته‌اند از راه برجسته کردن اصول اولیه حقوق بین‌الملل به‌ویژه ضرورت احترام به حاکمیت سیاسی دولت‌ها و اصل مداخله نکردن در امور داخلی کشورها، ضرورت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و احترام به یکپارچگی سرزمینی کشورها به رویارویی با تلاش‌های هژمونیک ایالات متحد در شورای امنیت بپردازند. اما این همه ماجرا نیست. پس از آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ رهبری روسیه از برخی اصول در پیش گرفته شده در جامعه بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد عقب‌نشینی کرد و ایالات متحد و متحدانش را به چالش کشید. ایسایف^۱ در این ارتباط معتقد است: از زمان فروپاشی اتحاد شوروی، مشکل اصلی سیاست خارجی روسیه ناتوانی نخبگان حاکم در پیشنهاد جایگزین مناسب برای الگوهای غربی، هم در داخل و هم در حوزه سیاست خارجی بوده است. در دوران معاصر، سیاست خارجی روسیه درگیر نوعی سرگردانی بوده است. اگرچه «اوراسیاگرایی»^۲ و «چندقطبی بودن»^۳ مفاهیم مورد علاقه کرملین بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند متحدان بلندمدت یا قدرت نرم را در فضایی شبیه یا نزدیک به دوران شوروی برای مسکو فراهم کنند (Issaev, 2022: 75-80).

رویکرد روسیه در برابر کانون‌های اصلی بحران خاورمیانه

رویکرد کلی روسیه به خاورمیانه از دیدگاه‌های راهبردی این کشور تأثیر می‌پذیرد. نفوذ در درگیری‌های خاورمیانه از جمله جنگ اعراب و اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران و جنگ سوریه، وزن راهبردی این کشور در معادله‌های بین‌المللی را تقویت می‌کند. داشتن نقش در این منطقه محوری، به روسیه امکان می‌دهد که پایگاه خود را نه تنها در داخل، بلکه در خارج نیز برجسته کند. مسکو خاورمیانه را به‌عنوان زمینه‌ای برای شکل‌دهی به نظم بین‌الملل آینده، از جمله رقابت با دیگر قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحد می‌بیند. پایگاه هوایی لاذقیه و پایگاه دریایی ترتوس نه تنها بسترهای لازم برای دسترسی روسیه به خاورمیانه را فراهم می‌کنند، بلکه

¹ Issaev

² Eurasianism

³ Multipolarity

به این کشور امکان می‌دهد تا در برابر جناح جنوبی ناتو، قدرت خود را به شرق مدیترانه از جمله خطوط دریایی و دریای سیاه توسعه دهد. افزون بر این، با توجه به اینکه روسیه زیر تحریم‌های اقتصادی غرب ناشی از جنگ اوکراین است، کشورهای خاورمیانه می‌توانند افزون بر ایجاد مجرای برای دور زدن تحریم‌ها، امکان دسترسی به بازارهای تجاری و مالی را برای تأمین کالاهای حیاتی (مانند ریزتراشه‌ها) به سود روسیه فراهم کنند. همکاری با کشورهای خاورمیانه در مبارزه با تروریسم نیز یکی از مسائل امنیتی اصلی مسکو را پاسخ می‌دهد (Brookes, 2024: 14).

رخداد انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌منزلهٔ افول نظم منطقه‌ای پیشین و پیدایی یک نظم منطقه‌ای جدید بود. در این شرایط نشانه‌هایی از تحول نظام بین‌الملل و زیرسیستم‌های آن پدیدار شده است. پیدایی نشانه‌های گذار در نظم و امنیت منطقه خاورمیانه به‌نوبهٔ خود واقع‌گرایی روسی را به سمت مقابله با الگوی هژمونیک ایالات متحد و بازشناساندن نقش و جایگاه خود در چیدمان منطقه‌ای پیش‌برده است. رقابت روسیه با آمریکا و غرب در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جریان است. در سطح سیستمی رقابت دو کشور در دریای بالتیک و اروپای شمالی، اروپای شرقی، دریای سیاه، قفقاز جنوبی، دریای خزر، افغانستان و آسیای مرکزی، شبه‌جزیرهٔ کره، قطب شمال و سرانجام در خاورمیانه و شمال آفریقا دیده می‌شود. بحران‌های اوکراین و سوریه رویارویی دو قدرت را به نقطهٔ اوج رساند (Takhshid, and Shoja, 2018: 310).

نخستین جلوه‌های موازنه‌گری روسیه در برابر نظم هژمونیک ایالات متحد در خاورمیانه به بحران سوریه بازمی‌گردد. سوریه تنها شریک باقیمانده برای روسیه از دورهٔ اتحاد شوروی در خاورمیانه، میزبان تنها پایگاه برون‌مرزی نظامی روسیه در خارج از محدوده پیشین شوروی و تنها پایگاه نظامی این کشور در دریای مدیترانه است. بر این اساس، ایالات متحد تلاش کرد در چارچوب خیزش‌های عربی، سوریه را به‌عنوان آخرین پایگاه و قلمرو نفوذ روسیه در خاورمیانه، در کنترل خود درآورد. از این جهت، ناآرامی‌ها در سوریه و احتمال تغییر نظام سیاسی در این کشور، تهدید جدی برای توافق‌نامه نظامی مسکو با دمشق و ازدست‌رفتن پایگاه نظامی تروتسک ایجاد کرد. چنین تحولی افزون بر اینکه تهدیدی فوری برای منافع منطقه‌ای روسیه به‌وجود آورد، موقعیت این کشور در نظام بین‌الملل را نیز دستخوش تهدید کرد. رهبران روسیه تمایل چندانی به تکرار سناریوی مداخلهٔ غرب در لیبی و شکل‌گیری هنجار جدیدی از مداخلهٔ بین‌المللی در امور داخلی کشورها نداشتند.

مداخله‌گرایی روسیه در جریان تحولات انقلابی خاورمیانه به‌موازات مداخله‌نکردن ایالات متحد، سطح بی‌اطمینانی را در منطقه به‌میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. به‌عبارتی دقیق‌تر، کاهش سطح درگیری واشنگتن در منطقه، همزمان با نفوذ فزاینده روسیه و چین، سطح ناامنی را به‌ویژه در میان متحدان سنتی آمریکا در منطقه گسترش داد. این عامل در کنار چندقطبی شدن سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای، به بازیگران محلی امکان انتخاب بیشتری در فهرست متحدان

بالقوه داد. با تعداد فزاینده‌ای از متحدان بالقوه مصر و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای، سیاست سنتی ناصر را در بازی آمریکا و روسیه (اتحاد شوروی) علیه یکدیگر زنده کردند (Del Sarto and Soler I Lecha, 2024: 15-16). مسکو با ورود به بحران سوریه، دست به ائتلاف برنامه‌ریزی شده با ایران زد. روابط دو طرف در چارچوب نوعی مشارکت رقابتی قابل بررسی است. به عبارتی، روابط مثبت دو کشور به سود روسیه است، اما مسکو با دقت نظاره‌گر گسترش روابط، به منظور جلوگیری از فراتر رفتن سطح رابطه با ایران است، به گونه‌ای که تعامل‌ها با دیگر کشورها را به مخاطره نیندازد. موقعیت ژئواستراتژیک ایران به آن اجازه می‌دهد که بر تحولات مناطق خزر، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه تأثیر بگذارد. در نتیجه، مسکو در رویدادهای مختلف و مسائل اصلی سیاست خارجی با تهران مذاکره می‌کند (Koolae and Norouzi Zarmehri, 2021: 793). برنامه‌ریزی ائتلاف در نگاه نواقع‌گرایانه، بیشتر حاصل یک انتخاب اجباری است. این اجبار به‌ویژه در نظام تک‌قطبی و برای حفظ ثبات و موازنه، در برابر قطب برتر بیشتر احساس می‌شود. حتی ائتلاف میان یک قدرت بزرگ با قدرت‌های میانی را نیز ممکن می‌سازد (Nouri and Svishnikova, 2016: 178).

در بحران لیبی مسکو نخست تلاش کرد با موازنه نرم و پرهیز از رأی مثبت به قطعنامه محافظت از غیرنظامیان در برابر نیروهای طرفدار قذافی، رهیافت جداگانه خود را پی‌گیری کند. پوتین این قطعنامه را شبیه «درخواست‌های سده‌های میانی برای جنگ‌های صلیبی» توصیف کرد (Galeeva, 2021: 15). در شرایط پس از سقوط قذافی نیز مسکو حمایت از نیروهای ارتش ملی ژنرال حفتر^۱ را در دستورکار قرار داده است. روسیه در تلاش، برای ایجاد مزیتی راهبردی در برابر ناتو است. حمایت از نیروهای نزدیک به حفتر می‌تواند، بخشی از این راهبرد مسکو باشد. پیمانکاران نظامی و امنیتی خصوصی روسیه^۲ نقش مهمی در این زمینه داشتند. شرکت امنیتی خصوصی آر اس بی گروپ^۳ انجام عملیات مین‌روبی و آموزش نظامی در بخش‌های مهارشده به‌وسیله حفتر را عهده‌دار شد. تا سال ۲۰۲۰ گروه واگنر^۴ با ۱۲۰۰ پیمانکار نظامی در لیبی حضور داشت و مجموعه کاملی از خدمات امنیتی از جنگ تا امنیت سایت را انجام می‌داد. این تعداد با چهار گردان ۳۰۰ نفره شامل سه گروه تهاجمی و یک شرکت پشتیبانی برابر بود. تا سال ۲۰۲۰ روسیه با ارائه جنگنده پیشرفته، خودروهای زرهی و سیستم‌های پیشرفته پدافند هوایی برای متوقف کردن آفند مورد حمایت ترکیه، پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی خود را از حفتر افزایش داد (Schwartz, 2020: 123).

در بحران یمن، مسکو تلاش کرده است با حفظ بی‌طرفی به‌طور همزمان کانال‌های ارتباطی خود با بازیگران درگیر از جمله شورای انتقالی جنوب، حکومت منصور هادی و انصارالله را

^۱ Haftar's Libyan National Army (LNA)

^۲ Russian Private Military and Security Contractors (PMSC)

^۳ RSB Group

^۴ The Wagner Group

حفظ کند. ایجاد پایگاه دریایی در عدن، به‌ویژه از آنجا که روند نظامی شدن دریای سرخ با سرعت بیشتری در حال شکل‌گیری است، می‌تواند منافع نظامی و اقتصادی مسکو را تأمین کند. مسکو تلاش می‌کند ابتکار خود، در زمینه تشکیل معماری امنیتی نوین در خلیج فارس و خاورمیانه را زنده کند. طرح مسکو برای پی‌ریزی الگوی مطلوب تعاملی بازیگران منطقه‌ای، نسخه خاورمیانه‌ای سازمان امنیت و همکاری اروپا است. ابتکار روسیه می‌تواند به تنظیم روابط کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ایران کمک کند. اگرچه این طرح شانس کمی برای اجرایی شدن دارد، اما رایزنی‌های روسیه با عربستان سعودی و ایران می‌تواند، در عادی‌سازی روابط میان ریاض و تهران نقش داشته باشد و گواهی بر اهمیت مسکو به‌عنوان یک داور مهم برای کانون‌های اصلی بحران در خاورمیانه باشد (Semenov, 2021-a). بنابراین، از آنجا که روسیه منافع مادی کمی در یمن دارد و مجبور به حمایت از جناح ویژه‌ای نیست، مسکو از رویکرد جداگانه خود در برابر جنگ داخلی یمن، به‌عنوان اهرمی برای تقویت نفوذ منطقه‌ای خود استفاده کرده است (Ramani, 2022: 165). در مقام مقایسه، بحران یمن برخلاف سوریه، ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی لازم برای داشتن نقش یک قدرت جهانی از سوی روسیه را نداشته است. بحران سوریه به‌دلیل تداخل متغیرهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی و همچنین ارتباط تاریخی آن با هویت روسی و امپراتوری شوروی، فرصت مناسبی برای پیشبرد راهبرد منزلت-طلبی روسیه بوده است (Karimipour, 2022: 38-39).

روابط روسیه با مصر در دوره پسا بهار عربی به‌ویژه به‌دنبال روی کار آمدن السیسی نیز به سطح چشم‌گیری ارتقا یافته است. در این میان، مداخله ایالات متحده در جریان خیزش‌های انقلابی مصر بسیاری از سیاستمداران و نظامیان مصری را نسبت به نقش حمایت‌گرانه واشنگتن در تحولات آینده این کشور بدبین کرده است. دو کشور دیدگاه‌های نزدیکی در مورد بحران‌های سوریه و لیبی، رویارویی با گروه‌های تروریستی و هم‌چنین درگیری اسرائیل- فلسطین دارند. بر همین اساس، قاهره و مسکو در سال‌های اخیر به توافق‌هایی در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، امنیتی و دفاعی از جمله استفاده از پایگاه‌های نظامی و هوایی یکدیگر و فروش بالگردهای کا ۵۲ و سامانه موشکی اس ۳۰۰ دست یافتند. پوتین و السیسی در سال ۲۰۱۸ موافقت‌نامه مشارکت فراگیر و همکاری راهبردی را امضا کردند (Russia, Egypt Sign Strategic..., 2018). توافق‌نامه یادشده در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شد. رویکردهای مصر و روسیه برای مبارزه با تروریسم با یکدیگر همخوانی دارند. فهرست سازمان‌های تروریستی ممنوع در دو کشور، کم‌وبیش یکسان است. قاهره و مسکو حذف داعش و دیگر سازمان‌های تروریستی در منطقه را اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش خود می‌دانند. مسکو از کارهای دولت مصر برای از میان بردن تروریسم و جنایت‌های سازمان‌یافته در شبه‌جزیره سینا حمایت کرده است. این روند، شرایط لازم را برای همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی گسترده از جمله تبادل اطلاعات در موضوع تروریسم و جابه‌جایی آنها از سوریه به مصر، لیبی و دیگر

کشورهای همسایه را فراهم کرده است (ElSheikh, 2024: 2-3). در مجموع، استدلال این است: تا زمانی که پوتین، رهبری را در دست داشته باشد، خاورمیانه محور راهبردی او خواهد بود تا از رهگذر با روسیه به عنوان قدرت بزرگ جهانی برخوردار شود.

بال اقتصادی در کنار بال نظامی، عوامل توسعه روابط روسیه با خاورمیانه

در سطح منطقه‌ای راهبرد کلان پوتین به چهار هدف برای خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل می‌شود:

- ۱) حمایت از رهبران مطلوب برای منافع روسیه به منظور پرورش شبکه نفوذ منطقه‌ای و از میان بردن نفوذ ایالات متحد،
 - ۲) تبدیل شدن به بازیگری مهم در رویدادهای منطقه‌ای، برای تقویت جایگاه روسیه در صحنه جهانی،
 - ۳) توسعه منافع اقتصادی، به منظور توانمندسازی دولت و نخبگان روسیه،
 - ۴) تأمین جهت‌گیری‌های نظامی و رای دریای سیاه، برای گسترش رویارویی روسیه با غرب.
- این اهداف منطقه‌ای، تا حد زیادی تقویت‌کننده یکدیگرند و به روشنی با چشم‌انداز راهبردی پوتین همخوانی دارند (Schwartz, 2020: 123).

در بخش اقتصادی، تجارت دوجانبه با امارات متحد عربی، بالاترین سطح تجارت خاورمیانه‌ای روسیه را تشکیل می‌دهد. تجارت غیرنفتی امارات و روسیه در سال ۲۰۱۹، با رشد ۸ درصدی به ۳٫۷ میلیارد دلار رسید (UAE and Russia Highlight..., 2020). برای روسیه، ابوظبی نماینده مرکز تجاری جذاب آفریقا، آسیا، اروپا و خاورمیانه است. در همین حال، امارات در بخش‌های گاز، نفت، املاک، زیرساخت‌ها و آمادوشتیبانی روسیه سرمایه‌گذاری کرده و به دنبال تقویت حضور خود در بخش تولید مواد غذایی روسیه است. افزون بر این، دو کشور در زمینه استخراج منابع طبیعی مشترک از جمله مراکز تجاری جدید الماس همکاری نزدیکی دارند (Cafiero, 2019). مسکو قابلیت‌های اقتصادی لازم برای سرمایه‌گذاری دوباره در سوریه و تثبیت دولت اسد را ندارد. در این زمینه، روسیه می‌تواند از جایگاه ابوظبی به عنوان یک قدرت اقتصادی بهره‌مند شود. با وجود تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا، ابوظبی توان مالی و اقتصادی بالایی دارد که می‌تواند، در روند بازسازی سوریه استفاده شود.

روابط راهبردی روسیه با مصر، در برگیرنده همکاری‌های اقتصادی در حوزه‌های گوناگون از جمله سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد دلاری در نیروگاه هسته‌ای دبا^۱ و سرمایه‌گذاری شرکت نفتی روس‌نفت^۲ در گاز مصر است. در زمینه حمل‌ونقل، روسیه با تهیه و تولید ۱،۳۰۰ وسیله راه-

^۱ Dabaa Nuclear Power Plant

^۲ Rosneft Oil Company

آهن مصر را پشتیبانی کرده است. روسیه همچنین به موجب قراردادی ۵۰ ساله در حال ایجاد یک منطقه صنعتی در منطقه اقتصادی کانال سوئز^۱ است که بیش از ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جذب می‌کند (Egypt, Russia Officials..., 2021). این طرح بیش از ۳۵ هزار شغل ایجاد می‌کند. روسیه همچنین در پروژه ملی سیلوهای غلات مصر که هدف آن ایجاد ۵۰ سیلو برای ذخیره غلات با ظرفیت ۱,۲ میلیون تن در ۱۷ استان مصر است، مشارکت دارد. اولین دور گفتگوها، پیرامون توافقنامه تجارت آزاد در میان مصر و روسیه، روسیه سفید، قزاقستان، قرقیزستان و ارمنستان در ژانویه ۲۰۱۹ در قاهره انجام شد. دور دوم در آوریل ۲۰۱۹ در روسیه و دور سوم در اکتبر ۲۰۱۹ در قاهره برگزار شد.

مصر بزرگترین شریک روسیه در آفریقا است که ۸۳ درصد از حجم تجارت آفریقایی و ۳۳ درصد از حجم تجارت کلی روسیه با کشورهای عربی را تشکیل می‌دهد. همچنین ۴۷۲ شرکت روسی در مصر سرمایه‌گذاری می‌کنند که سرمایه‌ای بالغ بر یک میلیارد دلار را دربرمی‌گیرد (Al-Mashat Discusses Russia's Participation..., 2021). روسیه قصد دارد بیش از ۷ میلیارد دلار برای ایجاد منطقه صنعتی روسیه در منطقه کانال سوئز سرمایه‌گذاری کند. ارزش صادرات روسیه به مصر، بیش از ۵,۷ میلیارد دلار است که این کشور را به بزرگترین شریک تجاری مسکو در خاورمیانه و آفریقا تبدیل می‌کند. روسیه سومین شریک تجاری مهم مصر پس از اتحادیه اروپا و چین است. روسیه همچنین بزرگترین صادرکننده غلات به مصر است. تا پیش از شعله‌ور شدن جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ مصر ۸۰ درصد غلات خود را از روسیه و اوکراین خریداری می‌کرد. پیش‌بینی می‌شود اتکای قاهره به غلات روسیه ادامه یابد، به‌ویژه که امکان دسترسی به غلات اوکراینی، به دلیل محاصره از سوی روسیه در دریای سیاه کاهش یافته است (Šerić, 2023).

مسکو در ژوئن ۲۰۲۱ برای آسان کردن روابط بانکی و مالی با عربستان سعودی، پیشنهاد گشایش بانک روسی در ریاض را ارائه کرد. مسکو همچنین بر آن است حجم تجارت دوجانبه با ریاض را تا سال ۲۰۲۴ به ۵ میلیارد دلار برساند. اکنون، تجارت دو طرف حدود ۱,۵ میلیارد دلار است. در سال ۲۰۲۰ روسیه صادرات گندم به عربستان را آغاز کرد. پادشاهی سعودی اکنون یکی از بزرگترین واردکنندگان جو از روسیه است. مسکو نقش منطقه‌ای عربستان را گسترش می‌دهد که برای نفوذ در خاورمیانه با ترکیه رقابت دارد. دخالت روسیه در بحران یمن با توجه به تقویت خطوط تماس مسکو با همه جناح‌های داخلی، فضای مانور گسترده‌تری برای عربستان ایجاد می‌کند، چرا که ریاض بیم آن دارد که ایالات متحد، نگرانی‌های امنیتی پادشاهی را نادیده بگیرد. به گفته سرگئی لاورف وزیر امور خارجه روسیه، دو طرف به دنبال تقویت همکاری‌ها در بازار جهانی نفت هستند. با وجود نشانه‌های یادشده، مسکو می‌داند در

¹. the Suez Canal Economic Zone

کوتاه‌مدت نمی‌تواند جایگزین شریک راهبردی ریاض یعنی واشینگتن شود. با این وجود، امیدوار است از موقعیت کنونی برای تقویت تدریجی روابط روسیه و عربستان و تقویت مواضع برنامه‌ریزی‌شده خود، هم‌گام با تلاش برای ارتقای تدریجی آن به سطح راهبردی استفاده کند (Semenov, 2021-a).

سوریه نیز در کنار ابعاد ژئوپلیتیک، از نظر ژئواستراتژیک اهمیت ویژه‌ای برای مسکو دارد. روسیه در ژانویه ۲۰۱۷ موافقتنامه بلندمدتی با دولت اسد برای گسترش حضور نظامی در سوریه به امضا رساند که دربرگیرنده قابلیت مسکو برای استقرار نیروهایش در سوریه برای نیم قرن آینده است (Nordland, 2017). بندرهای مدیترانه‌ای سوریه یعنی لاذقیه و تروتوس، در کانون توجه مسکو قرار دارند. بنادر سوریه به‌منزله دروازه‌ای برای ورود به رقابت‌های بندری و حضور فعال مسکو در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه مدیترانه و ورای آن محسوب می‌شود. به‌تازگی قرارداد ۴۹ ساله اجاره بندر تروتوس برای استفاده تجاری و نظامی میان شرکت دولتی بندر تروتوس و شرکت روسی «اس‌تی‌جی اینجنیرینگ» به امضا رسید. روسیه در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، حدود ۵۴ میلیون دلار برای توسعه سوریه هزینه کرده است. همچنین روسیه ۵۰۰ میلیون دلار در بندر تروتوس و ۲۰۰ میلیون دلار برای نوسازی صنعت کود سوریه سرمایه‌گذاری کرده است. در دسامبر ۲۰۱۹ پارلمان سوریه طرح دادن قرارداد گاز طبیعی به دو شرکت روسی ولادا^۱ و مرکوری^۲ را تصویب کرد. شرکت‌های روسی همچنین قراردادهای انحصاری در بخش‌های سودآور بازسازی سوریه از جمله در حوزه زیرساخت، تولید برق و بازسازی صنعتی و استخراج منابع به دست آورده‌اند (Russia Matters, 2021).

تجارت تسلیحات نیز بخش محوری منافع اقتصادی روسیه در خاورمیانه و بازیگران نقش‌آفرین در این منطقه را تشکیل می‌دهد. مسکو که سامانه دفاع هوایی اس ۴۰۰ را به ترکیه تحویل داده، بارها آمادگی خود را برای فروش این سامانه‌ها به عربستان سعودی و امارات متحد عربی اعلام کرده است (Semenov, 2021-b). در جریان سفر ملک سلمان به مسکو در اکتبر ۲۰۱۷ دو طرف پیرامون فروش سامانه دفاع هوایی اس ۴۰۰ به توافق رسیدند. دو کشور همچنین توافقنامه‌ای را برای توسعه داخلی تجهیزات روسی امضا کرده‌اند. سیستم موشکی ضدتانک کورنت^۳ و نارنجک‌انداز ای‌جی‌اس ۳۰^۴ از جمله توافقات تسلیحاتی دوطرف بودند. در این سفر همچنین مقرر شد عربستان قرارداد تولید اسلحه‌های کلاشنیکف روسی را تا پایان فوریه ۲۰۱۹ نهایی کند (Bensaid, 2019). بر اساس گزارش مؤسسه پژوهش‌های صلح بین‌المللی استکهلم^۵ مصر در نیمه سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، ۱۵ میلیارد دلار برای خرید تسلیحات

¹. Velada

². Mercury

³. Kornet-EM Anti-Tank Missile Systems

⁴. AGS-30 grenade launchers

⁵. the Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

هزینه کرده‌است که ۶۰ درصد این تسلیحات از روسیه خریداری شده است. در سال ۲۰۲۰ مصر با وجود تهدید آمریکا، پنج فروند هواپیمای سوخو ۳۵ دریافت کرد (Šerić, 2023). در مورد لیبی تجارت انرژی یکی از اولویت‌های اصلی مسکو به‌شمار می‌آید. در پشت پرده تلاش‌های روسیه، برای بازگشایی سفارت در ترابلس و همچنین بازگشایی دفتر کنسولی در بنغازی، هدف‌های راهبردی و تجاری ویژه‌ای نهفته است. تمرکز تحرک‌ها و الگوی حرکتی مسکو در سرت، در نیمه‌ترابلس و بنغازی، نشانه‌های بارز تلاش این کشور برای دسترسی به دروازه راهبردی ذخایر نفتی لیبی دیده می‌شود.

تأثیر سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بر نظم امنیتی منطقه‌ای

بر اساس آنچه گفته شد، تغییر و تحولات اخیر در سیاست خارجی و امنیتی روسیه تأثیر قابل توجهی بر نظم امنیتی بین‌المللی داشته است. بر این اساس نظم امنیتی جهانی از نظر ساختاری، هنجاری، کارگزاری و الگوهای تعامل دستخوش دگرگونی شده‌است. از دید ساختاری، زنده‌شدن روسیه، لایه پیچیده‌ای را به‌سطح و توزیع قدرت میان واحدها در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای افزوده است. از دیدگاه مسکو، به‌واسطه‌ی خلأ قدرت شکل‌گرفته در منطقه و کنش فعال این کشور در بحران سوریه، باید سهم مناسبی به روسیه داده شود. به‌خودی‌خود، این هدف، از راه کاهش سهم دیگران به‌ویژه ایالات متحد امکان‌پذیر است. تحول یادشده، منطقه را به یک سیستم قدرت سه لایه تبدیل کرده است. نخستین لایه نبرد برای تصاحب دولت است که در پیکار شورشیان و حکومت در جنگ‌های داخلی سوریه، یمن، عراق و لیبی نمایان شده است. لایه دوم، نبرد ایران، عربستان سعودی و ترکیه برای سیطره منطقه‌ای است. لایه سوم نیز رقابت واشینگتن و مسکو در سطح منطقه است (Harrison, 2018: 11). مسکو در هر سه سطح یادشده نقش مؤثر و فعالی داشته است.

از دید هنجاری نیز، نشانه‌هایی از تعارض هنجارها و ارزش‌های لیبرال با ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر روسیه وجود دارد که در تحولات پیشین، روشنی و برجستگی ویژه‌ای داشته است. مسکو چالش‌های قابل توجهی با نظم بین‌المللی مورد نظر ایالات متحد دارد که گسترش دموکراسی، جهانی‌شدن تجارت و سرمایه‌گذاری و تشکیل شبکه متراکمی از سازمان‌ها سه جزء محوری آن را تشکیل می‌دهند. البته ادعاهای قانونی و هنجاری که روسیه برای توجیه توسل به زور بدان‌ها استناد کرده، نمی‌توانند براساس به‌کارگیری نظریه واقع‌گرایانه، به‌عنوان زبان ابزاری دولت‌ها در جهانی که توسط ژئوپلیتیک اداره می‌شود، تفسیر شوند. استدلال‌های حقوقی و هنجاری، آماده مشروعیت‌بخشی به اقدام‌های در سطح بین‌المللی و داخلی هستند و کشش آنها برای دولت‌ها از این جهت مهم است که، جایگاه و نفوذ بین‌المللی آنها را ارتقا می‌دهند. از این دیدگاه استدلال‌های روسیه به‌عنوان بخشی از رقابت گسترده‌تر در نظام

بین‌الملل بر سر قانون و هنجارها برای جلب حمایت دولت‌ها به سود خود بوده است (Allison, 2022: 83-90).

الگوهای تعامل در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، در نتیجه رویکرد جدید روسیه با تغییرهای محسوسی همراه شده و الگوهای تعامل متعارض ستیزش و همکاری در گروه‌بندی‌های رقیب، از جایگاه ویژه‌ای در رهیافت امنیتی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برخوردار شده است. گرچه روسیه از سازوکارهای نهادی نیز به‌عنوان ابزار کارآمد در سیاست امنیتی خود بهره می‌گیرد، اما الگوی تعاملی این کشور نشانه‌های متعارضی از ستیزش و همکاری را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برجسته کرده است. به‌عنوان نمونه، روسیه با وجودی که در کنار ایران و ترکیه به‌عنوان یک بازیگر اصلی در روند گذار سیاسی در تحولات سوریه نقش دارد، نقش مؤثری در ایجاد و تحکیم موازنه در برابر ایالات متحد و گزاره‌های نظم بین‌المللی این کشور داشته است. دامنه کنشگری و نقش روسیه در نظم منطقه‌ای جدید خاورمیانه نیز گستره گوناگونی از دولت‌ها و کنشگران منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد. در واقع روسیه تلاش دارد با تحکیم روابط خود با ایران، سوریه و حتی حماس و نزدیکی به متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه از جمله؛ عربستان، قطر، امارات متحد عربی، اردن و مصر به‌نوعی موازنه قوای منطقه‌ای در برابر ایالات متحد در خاورمیانه به‌وجود آورد.

نتیجه

رخداد تحولات انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، بسترهای لازم را برای دگرگونی در رویکرد روسیه به نظم امنیتی منطقه‌ای به‌وجود آورد. نخستین نشانه‌های بازیابی موقعیت و جایگاه روسیه در نظم امنیتی خاورمیانه در چارچوب راهبرد موازنه نرم این کشور در برابر مداخله‌گری ایالات متحد و غرب در بحران سوریه نمایان شد. روند تحولات و ورود گستره وسیعی از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به بحران سوریه، مقام‌های کرملین را قانع کرد تا از الگوی موازنه مستقیم در برابر ایالات متحد بهره بگیرند. بر این اساس، مسکو توانست با بهره‌گیری از دو راهبرد موازنه نرم و موازنه مستقیم، ضمن بازیابی توان ساختاری خود در نظم منطقه‌ای خاورمیانه، حوزه کنشگری خود را نیز، به‌میزان چشمگیری ارتقا بخشد. سطح و سرشت کنشگری روسیه، در نظم امنیتی نوین خاورمیانه تابعی از مفروض‌های واقع‌گرایانه سیاست خارجی این کشور است. بنابراین، چنان‌چه شواهد موجود در این نوشتار نشان داد؛ الگوهای امنیتی روسیه در دوره پس از جنگ سرد همچنان بر پایه رویکرد محیطی و ساختاری سازمان‌دهی می‌شوند.

عامل اقتصادی در کنار موازنه قوا، یکی از انگیزه‌های اصلی توسعه روابط روسیه با خاورمیانه به‌شمار می‌آید. دو بال امنیتی و اقتصادی، به‌همراه هم در خاورمیانه حرکت کرده‌اند. رویکرد روسیه در برابر نظم امنیتی منطقه‌ای نیز بر اساس این اصل کلی سازمان‌دهی شده است.

متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر مداخله مسکو در بحران سوریه، در شرایط پس از خروج تحولات از دوره بحران و بی‌ثباتی و تبدیل دستاوردهای سیاسی و نظامی به دستاوردهای اقتصادی نیز از برجستگی ویژه‌ای برخوردار بوده است. شرکت‌های روسی امتیازهای پرشماری در حوزه زیرساخت‌های نفت، گاز، برق و معادن سوریه به‌دست آورده‌اند. دامنه کنشگری و نقش روسیه در نظم منطقه‌ای جدید خاورمیانه، گستره پرشماری از دولت‌ها و کنشگران منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد. در واقع روسیه تلاش دارد با تحکیم روابط خود با ایران، سوریه و حتی حماس و نزدیکی به متحدان سنتی آمریکا در خاورمیانه از جمله؛ عربستان، قطر، امارات متحد عربی، اردن و مصر به‌نوعی موازنه قوای منطقه‌ای را در برابر ایالات متحد در خاورمیانه به‌وجود آورد. کرملین با بهره‌گیری از سیاست عمل‌گرایانه، راهبرد خاورمیانه‌ای خود را در چارچوب‌های غیردینی و غیرایدئولوژیک دنبال می‌کند. از این جهت، زنده‌شدن روسیه؛ بر ابهام، پیچیدگی و چندلایه بودن محیط امنیتی و چگونگی توزیع قدرت در خاورمیانه افزوده است. از نظر توزیع قدرت، در پی تحول یادشده اکنون خاورمیانه در وضعیت پراکندگی قدرت در سطوح دولتی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. مسکو برآن بوده است تا در برابر رهیافت یک‌جانبه‌گرای آمریکا به نظم منطقه‌ای خاورمیانه، رهیافت نوینی را مطرح سازد که در چارچوب آن گستره پرشماری از کنشگران و دستورکارها، قابلیت و امکان طرح داشته‌باشند.

References

- Allison, Roy (2022), Russian Legal and Normative Claims for Its Intervention in the Syrian Conflict Since 2015, in: Nikolay Kozhanov (ed.), **Russian Foreign Policy Towards the Middle East: New Trends, Old Traditions**; Oxford Scholarship Online.
- Bensaid, Adam (2019), "Russia Is Selling More Weapons to Saudi Arabia and the UAE", Available at: <https://www.trtworld.com/middle-east/russia-is-selling-more-weapons-to-saudi-arabia-and-the-uae-24431>, (Accessed on: 25/9/2020).
- Brookes, Peter (2024), "Russia's Middle East Resurgence: Here to Stay?" Available at: <https://www.gisreportsonline.com/r/russias-middle-east-resurgence-here-to-stay/>, (Accessed on: 28/3/2024).
- Cafiero, Giorgio (2019), "Understanding Russia and the UAE's Special Partnership", Available at: <https://lobelog.com/understanding-russia-and-the-uaes-special-partnership/>, (Accessed on: 23/9/2020).

- Chernoff, Fred (2008), **Theory and Trans-Theory in International Relations: Conflicting Concepts and Interpretations**, Translated by Alireza Tayeb, Tehran: Nashre Ney, [in Persian].
- “Egypt, Russia Officials Discuss Boosting Bilateral Economic Relations” (2021), **Daily News Egypt**, Available at: <https://dailynewsegypt.com/2021/06/03/egypt-russia-officials-discuss-boosting-bilateral-economic-relations>, (Accessed on: 21/9/2020).
- Del Sarto, Raffaella A and Eduard Soler I Lecha (2024), “Regionalism and Alliances in the Middle East, 2011-2021: From a “Flash in the Pan” of Regional Cooperation to Liquid Alliances”, **Geopolitics**, Vol. 29, No. 4, pp. 1447-1473 (doi: 10.1093/heapl/9780198809425.003.0009).
- Dilleen, Connor (2018), “Deciphering Russia’s Middle East Strategy”, Available at: <https://www.aspistrategist.org.au/deciphering-russias-middle-east-strategy>, (Accessed on: 18/9/2020).
- “Al-Mashat Discusses Russia's Participation in Setting Up 50 Silos in Egypt” (2021), **Egypt State Information Service**, Available at: <https://www.sis.gov.eg/Story/155714/Al-Mashat-discusses-Russia%27s-participation-in-setting-up-50-silos-in-Egypt?lang=en-us>, (Accessed on: 17/10/2020).
- ElSheikh, Nourhan (2024), Egypt-Russia Relations: Drivers and Dimensions of a Stable Partnership, Available at: https://therussiaprogram.org/gs_egypt_ru, (Accessed on: 17/05/2024).
- Galeeva, Diana (2021), “How Have Russia’s Policies in the Middle East Changed Since the Arab Uprisings?”, Available at: <https://www.mei.edu/publications/how-have-russias-policies-middle-east-changed-arab-uprisings-0>, (Accessed on: 2/9/2020).
- Ghasemi, Farhad (2015), **Introduction to International Relations**, Tehran: Mizan [in Persian].
- Ghavam, Abdol-Ali (2008), **International Relations: Theories and Approaches**, Tehran: SAMT [in Persian].
- “Russia, Egypt Sign Strategic Cooperation Treaty” (2018), **Global Times**, Available at: <http://www.globaltimes.cn/content/1123443.shtml>, (Accessed on: 25/10/2020).
- “UAE and Russia Highlight New Horizons of Trade” (2020), **Gulf Today**, Available at: <https://www.gulftoday.ae/business/2020/11/04/uae-and-russia-highlight-new-horizons-of-trade-investment>, (Accessed on: 15/11/2020).

- Haji-Yousefi, Amir Mohammad and Abbas Zolfaghari (2017), "Russia's Strategic Culture and Foreign Policy in the Middle East", **Foreign Relations Quarterly**, Vol. 9, No. 2, pp. 165-192, (doi: 20.1001.1.17354331.1400.17.61.5.6) [in Persian].
- Harrison, Ross (2018), "Shifts in the Middle East Balance of Power: A Historical Perspective", Available at: <https://studies.aljazeera.net/en/reports/2018/09/shifts-middle-east-balance-power-historical-perspective-180902084750811.html>, (Accessed on: 8/9/2020).
- Hansen, Birthe and Anders Wivel (2010), **Security Strategies and American World Order: Lost Power**, Translated by Amir Niakooi and Ahmad Jansiz, Rasht: University of Guilan Press.
- Issaev, Leonid (2022), Domestic Factors in Russia's Middle East Policy Get Access Arrow, in: Nikolay Kozhanov (ed.), **Russian Foreign Policy Towards the Middle East: New Trends, Old Traditions**, Oxford Scholarship Online.
- Kanet, Roger E and Dina Moulioukova (2022), **Russia and the World in the Putin Era; From Theory to Reality in Russian Global Strategy**, New York: Routledge.
- Karami, Jahangir and Saman Fazeli (2018), "Maritime Geopolitics and Russia's Foreign Policy in Ukrainian and Syrian Crises", **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 1, pp. 197-214, (doi: 10.22059/jcep.2018.233479.449706) [in Persian].
- Karimipour, Davood (2022), "The Equation of Russian Status-Seeking in the Geopolitical Crises of the Islamic World; Study of Syria and Yemen", **The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World**, Vol. 4, No. 11, pp. 38-63, (doi: 10.22034/fasiw.2022.152729) [in Persian].
- Kissinger, Henry (2014), **World Order**, New York: Penguin Books.
- Koolae, Elaheh and Alireza Noori (2010), "Putin's Pragmatism and Change in the Approaches of Russian Foreign Policy", **Politics Quarterly**, Vol. 40, No. 2, pp. 209-228, (Accessed on: 12/6/2023) [in Persian].
- Koolae, Elaheh and Abed Norouzi Zarmehri (2021), "The Trilateral Cooperation of Iran-Azerbaijan-Russia in the North-South Corridor and Iran's National Security", **Politics Quarterly**, Vol. 51, No. 3, pp. 789-811, (doi: 10.22059/JPQ.2021.318617.1007743) [in Persian].
- Kortunov, Andrey (2019), "Between Polycentrism and Bipolarity; On Russia's World Order Evolution Narratives", **Russia in Global Affairs**, Vol. 17, No. 1. (doi: 10.31278/1810-6374-2019-17-1-10-51).

- Kozhanov, Nikolay (2022), **Russian Foreign Policy towards the Middle East: New Trends, Old Traditions**, Oxford Scholarship Online.
- Kuznetsov, Vassily (2019), Western Asia and North Africa in the Neo-Modernity Context; Between the Middle East and the Islamic World, **Russia in Global Affairs**, Vol. 17, No. 1, pp.124-146, (doi: 10.31278/1810-6374-2019-17-1-124-146).
- Maitra, Sumantra (2014), Realism in Russian Foreign Policy: The Crimean Case, **CLAWS Journal**, pp. 116-128, Available at: https://archive.claws.in/images/journals_doc/267144158_SumantraMaitra.pdf (Accessed on: 13/6/2021).
- Mosallanejad, Abbas (2014), "Russia's Strategic Balance and Security Policy Making in International System", **Central Eurasia Studies**, Vol. 6, No. 2, pp. 121-140, (doi: 10.22059/jcep.2014.36774) [in Persian].
- Mousavi Shafae, Masoud and Mohammad Taghi Bazgard (2016), "Influence Expansion Strategy in Putin's Foreign Policy", **Central Eurasia Studies**, Vol. 9, No. 2, pp. 377-394, (doi: 10.22059/jcep.2016.60550) [in Persian].
- Niakoe, Amir and Asgar Safari (2018), "Russia's Behavior Model in International System: An Attempt to Access a Favorable Balance of Power (2014 – 2018)", **Central Asia and the Caucasus Journal**, Vol. 24, No. 103, pp. 101-130, (Accessed on: 15/4/2022) [in Persian].
- Nordland, Rod (2017), "Russia Signs Deal for Syria Bases, Turkey Appears to Accept Assad", Available at: <https://www.nytimes.com/2017/01/20/world/middleeast/russia-turkey-syria-deal.html>, (Accessed on: 13/9/2019).
- Nouri, Alireza and Yulia Svishnikova (2016), "Iran-Russia Tactical Alliance in the New Middle East; Dimensions and Requirements", in: **Proceedings of the First Tehran Security Conference: Regional Security Order in West Asia** (Vol. II), Tehran International Studies & Research Institute [in Persian].
- Pillar, Paul (2016), "Russian Realism in the Middle East", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/paul-pillar/russian-realism-the-middle-east-17385>, (Accessed on: 13/9/2020).
- Piotrowski, Marcin (2002), Russia's Security Policy, in: Janusz Bugajski, **Toward an Understanding of Russia New European Perspectives**, New York: Council on Foreign Relations Book.
- Popescu, Nicu and Secrieru, Stanislav (2018), Russia's Return to the Middle East Building Sandcastles? **EU Institute for Security Studies, Chaillot Paper**, No. 146, (Accessed on: 13/6/2022).

- Ramani, Samuel (2022), Russia and the Yemeni Civil War, in: Nikolay Kozhanov (ed.), **Russian Foreign Policy Towards the Middle East: New Trends, Old Traditions**, Oxford Scholarship Online.
- Russian National Security Strategy (2015), “Russian National Security Strategy”, Available at: www.ieee.es/Galerias/.../2016/Russian-National-Security-Strategy-31Dec2015.pdf, (Accessed on: 12/11/2020).
- Schwartz, Andrew (2020), “Exploiting Chaos: Russia in Libya”, Available at: <https://www.csis.org/blogs/post-soviet-post/exploiting-chaos-russia-libya>, (Accessed on: 6/10/2020).
- Semenov, Kirill (2021-a), “US Cooling Could Help Russia Boost Ties with Saudi Arabia”, Available at: <https://www.al-monitor.com/originals/2021/03/us-cooling-could-help-russia-boost-ties-saudi-arabia>, (Accessed on: 19/10/2020).
- Semenov, Kirill (2021-b), “Russian Foreign Minister’s Visit Aimed at Challenging US Influence in [Persian]Gulf”, Available at: <https://www.al-monitor.com/originals/2021/03/russian-foreign-ministers-visit-aimed-challenging-us-influence-gulf>, (Accessed on: 6/9/2020).
- Šerić, Matija (2023), “Russia and Egypt: A Fast-Growing Partnership – Analysis”, Available at: <https://www.eurasiareview.com/12122023-russia-and-egypt-a-fast-growing-partnership-analysis/>(Accessed on: 12/3/2024).
- Takhshid, Mohammad Reza and Morteza Shoja (2018), “Explaining Russia’s Intervention in the Syrian Crisis from a Geopolitical Perspective”, **Central Eurasia Studies**, Vol. 11, No. 2, pp. 305-320, (doi: 10.22059/jcep.2019.242034.449729) [in Persian].
- Tsygankov, Andrei P (2019), From Global Order to Global Transition; Russia and the Future of International Relations, **Russia in Global Affairs**, Vol. 17, No. 1, (doi: 110.31278/1810-6374-2019-17-1-52-70).
- Waltz, Kenneth (2000), Structural Realism after the Cold War, **International Security**, Vol. 25, No. 1, pp. 5-41, (doi: 10.1162/016228800560372).